

زائر عتبة مقدسه نورانيه جناب استاد اسمعيل نجار عليه بهاء الله

هو الله

ای بنده بهاء الحمد لله که بصبح هدی حضرت نقطه اولی ربی الاعلی روحی له الفداء مؤمن و موقن شدی و بشمس حقیقت اسم اعظم جمال ابهی روحی لأحبائه الفداء مقبل گشتی و بر میثاق الهی و پیمان رحمانی ثابت و راسخ ماندی تا آنکه بیابان بی پایان پیمودی و باستان حضرت رحمن مشرف گشتی و جبین بر آن خاک مشکین سودی و بآمال مقریین مؤید و موفق گشتی حال نیز در نهایت انقطاع و بشعله نار انجذاب به عشق آباد بشتاب و یاران الهی را تحیت مشتاقانه عبدالبهاء برسان و روی هر یک را بیوس و شدت حب این عبد را بجمع بیان نما و بالتیابه از عبدالبهاء در بنای مشرق الأذکار خاک بکش و گل بردار و سنگ ببر تا انجذاب آن خدمت سبب روح و ریحان مرکز عبودیت گردد آن مشرق الأذکار اول تأسیس پروردگار واضح و آشکار است لهذا این عبد امیدوار است که اخیار و ابرار هر یک جانفشانی نمایند و فرح و شادمانی کنند و خاک کشتی را کامرانی شمرند تا این بنیان رحمن بلند گردد و آئین یزدانی منتشر شود و در جمیع اطراف و اکناف نیز بکمال همّت بر این امر عظیم قیام نمایند اگر عبدالبهاء مسجون نبود و موانع در میان نه البتّه بنفسه به عشق آباد میشتافت و در بنای مشرق الأذکار حمل تراب میکرد و بی نهایت مسرور و شادمان میشد حال یاران باید باین نیت قیام نمایند و نعم البدل گردند تا بمدتی قلیله این بنیان نمایان گردد و احبّا بذکر جمال ابهی مشغول شوند و آهنگ مشرق الأذکار در سحرگاه بملاً اعلی رسد و گلبانگ بلبان الهی اهل ملکوت ابهی را بوجد و طرب آرد دلها خوش شود و جانها بشارت یابد و قلبها روشن گردد اینست آمال مخلصین و اینست منتها آرزوی مقریین و علیک التّحیّة و التّناء ع ع